

مقالات مرتبط با "علامه اقبال لاهوری" موجود در مجلات فارسی

۱. تفسیر «کتاب با کتاب» اقبال لاهوری

جمشید دیوانی

دو ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۱۱۱، شهریور و مهر ۱۳۹۷، ص ۳۵

۲. بررسی مناسبات بینامتنی اشعار اقبال لاهوری و قرآن

حسین خاکپور*، زهرا نیکونژاد، ولی الله حسومی

فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال دهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۹-۱۴۶

چکیده:

نظریه بینامتنی حاکی از رویکرد زبان شناختی به ادبیات است که هر متن ادبی را زاینده ای از متون گذشته یا معاصر می داند؛ به گونه ای که متن تازه (حاضر) خلاقیه ای از متن یا متون متعدد (غایب) است. هدف از این پژوهش «واکوی مناسبات بینامتنی اشعار اقبال لاهوری و قرآن» است، که به روش توفیقی-تحلیلی با رویکرد زبان شناختی، روابط بینامتنی میان اشعار اقبال لاهوری و قرآن کریم را بیان کرده است. رابطه های موجود بین این دو متن، با هدف بیان مضامین و مفاهیم مشترک است. از آن جا که علامه انس دیرینه ای با قرآن داشته، در راستای تشویق انسان ها به مفاهیم اخلاقی، از آیات - به صورت مستقیم و غیر مستقیم- استفاده نموده است. بر این اساس در جهت تحقق اهداف علامه اقبال، انواع بینامتنی در ابیات وی نمود یافته که در میان آنها، بینامتنیت نفی جزئی (اجترار) گسترده وسیع تری را به خود اختصاص می دهد و بسامد بیشتری دارد. اما نمونه هایی از امتصاص (نفی متوازی) و حوار (نفی کلی) نیز در میان اشعار وی مشاهده می شود.

کلیدواژگان: بینامتنی، قرآن، اقبال لاهوری، نفی جزئی

۳. عوامل درونی انحطاط تمدن اسلامی از دیدگاه اقبال لاهوری با تاکید بر اشعار اردو

مرتضی شیرودی، ساجد علی

دو فصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۱۷

چکیده:

سلطه استعمار و عقب ماندگی جوامع اسلامی از یک سو، و پیشرفت اروپا از سوی دیگر، متفکران اسلامی را واداشت تا عوامل انحطاط تمدن اسلامی را شناسایی کرده، زمینه های ایجاد تحول و اصلاح را فراهم آورند. این روند اصلاح، ابتدا با اقدامات سید جمال الدین آغاز شد و با حرکت اندیشمندان دیگری چون: کواکبی، عبده، رشیدرضا، اقبال و نظایران تداوم یافت. (تاریخچه موضوع) اما زوایا و ابعاد اندیشه اقبال لاهوری، در باره علل درونی انحطاط تمدن اسلامی در اشعار اردوی وی، به روشنی تبیین نشده است. (تبیین مسئله) این موضوع مهمی است که اندیشمندان به صورت جدی به آن نپرداختند. (پیشینه تحقیق) بنابراین، طرح اینکه عوامل درونی انحطاط تمدن اسلامی در اشعار اردو اقبال کدام اند، پرسش اساسی نوشتار حاضر است. (سوال) انحراف های فکری و دینی، سنت گرایی و محافظه کاری، انحطاط فرهنگی و اختلافات داخلی، مهم ترین عوامل درونی انحطاط تمدن اسلامی به شمار می آیند. (فرضیه) از مقادیر این مقاله، شناسایی عوامل درونی انحطاط تمدن اسلامی در اشعار اردوی اقبال است؛ تا اینکه با پرهیز از آنها بتوانیم زمینه های ایجاد تحول و اصلاح را در کشورهای اسلامی فراهم آوریم. (هدف) این نوشتار، با روش توفیقی-تحلیلی در بیان عوامل درونی انحطاط تمدن اسلامی می باشد. (روش) مقاله بر لزوم وحدت امت اسلامی، جد و جهد را در سایه تعقل و تفکر و مبارزه با تحجر و رکود فکری تاکید می کند. (یافته)

کلیدواژگان: عوامل درونی، انحطاط، تمدن اسلامی، اقبال لاهوری، اشعار اردو

۴. افکار پنهان ایرانیان: سیرری در ایرانی گری اقبال لاهوری براساس رمزگشایی از یک بیت

قدمعلی سرامی*، محمدحسن مقیسه

چکیده:

هدف این پژوهش، نشان دادن توجه و گرایش عمیق قلبی و علمی اقبال لاهوری، شاعر بزرگ پاکستانی، به فرهنگ و تمدن ایران و زبان فارسی است. تحقیق با تحلیل يك بيت شعر از غزلی معروف که اقبال درباره ایرانیان سروده آغاز می شود و با شواهد فراوان از آثار منثور و منظوم اقبال، نشان داده می شود که او با فرهنگ ایران و حتی با برخی از نشانه های جزئی آن به خوبی آشنا بوده است. آن گاه پنج موضوع که عبارت اند از دین، فلسفه و کلام و عرفان، عقل و عشق، تلفیق و زبان فارسی که از مهم ترین مولفه های فرهنگ ایرانی هستند تحلیل می شوند و همین موضوع ها با آثار اقبال لاهوری سنجیده می شوند تا نشان داده شود که مولفه های فرهنگی و آداب و سنن ایرانیان در همه کتاب ها و نوشته های علمی و ادبی و فلسفی و حتی دیدگاه اجتماعی او به میزان بسیار زیادی تأثیر گذار بوده است. یافته پژوهش این است که اقبال به رغم آنکه با چهار فرهنگ ایرانی، اسلامی، هندی و اروپایی و چند زبان زنده دنیا مانند انگلیسی، اردو، عربی و آلمانی آشنا بوده، بیشترین و عمیق ترین تأثیرها را از فرهنگ و تمدن ایران و شعرا و دانشمندان و عرفا و فلاسفه ایرانی و اندیشه های ایشان و نیز از زبان و ادبیات فارسی پذیرفته است؛ به گونه ای که علاوه بر دارابودن دیوان شعری مستقل به زبان فارسی، آشکارا نیز بیان کرده است که زبان فارسی را برای بیان خواسته های قلبی اش مناسب تر از زبان مادری اش می داند.

کلیدواژگان: ایران، فرهنگ و تمدن ایرانی، ایرانی گری اقبال، علم، حکمت و عرفان

۵. اقبال نواندیش: به بهانه هفتادمین سال مرگ اقبال لاهوری

سروش دباغ

ماهنامه اکسیر نوین، شماره ۶، اردیبهشت ۱۳۹۶ ص ۸۹

۶. اشعار علامه اقبال لاهوری از کتب درسی پاکستان حذف شده اند: مصاحبه با اقبال

□ لاج الدین نوه دختری علامه اقبال لاهوری

ماهنامه فرهنگ اسلامی، شماره ۴۳، بهمن ۱۳۹۵ ص ۵۱

۹. تحلیل و بررسی آراء تربیتی علامه اقبال لاهوری با تأکید بر اهداف و روش ها

اکبر رهنما*، محسن فرمهینی فراهانی، سید عبدالکریم مشکوتی تروجنی

ماهنامه معرفت، شماره ۲۲۸، آذر ۱۳۹۵ ص ۷۱

چکیده :

علامه محمد اقبال لاهوری به عنوان یکی از چهره های درخشان تاریخ مشرق زمین و دنیای اسلام، کوشید تا اندیشه های اصلاح گرایانه، آگاه کننده و هدایتگر خویش را براساس آموزه های دین مبین اسلام بنا نهد. در آثار وی، به موضوعات گوناگونی از جمله «تعلیم و تربیت» برمی خوریم. ویژگی اصلی آراء تربیتی اقبال این است که علاوه بر اسلامی بودن، بر مفهوم فلسفی خاصی به نام «خودی»، به معنای انسان کامل بنا شده و در خصوص چگونگی تکامل ارزشی و اخلاقی «خودی» به تفصیل بحث کرده است. بر این اساس، هر کسی باید ابتدا به خود توجه داشته باشد، ارزش وجودی خود را بشناسد و سپس به امور دیگر بپردازد. این خودی می تواند محک اعمال نیک و بد انسان باشد. این تحقیق نظری است و سعی دارد با روش توصیفی - تحلیلی، مهم ترین اهداف و روش های تربیتی مدنظر علامه اقبال لاهوری را بررسی کند.

کلیدواژگان: تعلیم و تربیت، اقبال لاهوری، خودی، اهداف و روش های تعلیم و تربیت

۱۰. خرده گیری شتابزده ناقدان بر شیعی ستیزی اقبال لاهوری

منصور نیک پناه، یوسف شیخ زاده

نشریه کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵ □ ص ۲۶۱-۲۷۸

چکیده:

ادبیات فارسی مجموعه‌ی متنوع و فراگیر است که اقوام و مذاهب مختلف ایرانی را در اقصا نقاط جهان شامل می‌گردد. اعصار ارزیابی‌های شتابزده در مورد شخصیت‌های برجسته □ ورت گرفته و می‌گیرد. ارزیابی‌هایی که نتیجه بر سطحی از آثار آنهاست. این ارزیابی‌ها گاه بنا به دلایل اقلیمی، مذهبی یا سیاسی با حب و بغض‌های همراه می‌گردد. عمر سازگار نیست. اگرچه شعر آیینی با محوریت تقریب و وحدت از □ بغه‌های پر رنگ آثار اقبال به حساب می‌آید. مورد اقبال لاهوری نیز برداشت‌های نادرستی، به دلیل وجود برخی اشعارش وجود دارد. ابیاتی در دیوان اقبال مو. به ظاهر در آنها به امام جعفر اهانت شده است. در این مقاله در پی آن هستیم تا به دیدگاه اقبال در مورد اهل بیت و نیز جعفر و □ ادقی که اقبال در دیوان خود آنها را مذمت کرده بپردازیم، و اندیشه شیعه ستیزی شاعر را مورد ارزیابی این ابهام و کژ فهمی را که برای برخی از خوانندگان شعر اقبال ایجاد شده را برطرف نماییم.

کلیدواژگان: اقبال لاهوری، میر جعفر، میر □ ادق، سراج الدوله، تیبو سلطان

۱۱. علامه محمد اقبال لاهوری، فیلسوف مصلح

سیدسلیمان □ فوی

ماهنامه فرهنگ اسلامی، شماره ۳۶، تیر ۱۳۹۵ □ ص ۱۹۱

۱۲. تخلص در اشعار پارسی گویان ایرانی و نظری به سروده‌های تخلص دار در اشعار

علامه اقبال لاهوری

حکیمه دست رنجی

نامه فرهنگستان، شماره ۵۹، بهار ۱۳۹۵ □ ص ۱۲۰-۱۳۲

۱۳. آشنایی و هم فکری اقبال لاهوری و ابوالاعلی مودودی

نور محمد امراء

ماهنامه اندیشه □ لاج، شماره ۶، اردیبهشت ۱۳۹۵ □ ص ۸۶

۱۴. توجه به فرهنگ ایرانی یکی از ویژگی‌های سبکی اقبال لاهوری

محمدحسن مقیسه، دکتر قدم علی سرامی

مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۹۵ □ ص ۲۰۳

۱۵. غم خودشناسی در آثار بیدل دهلوی و اقبال لاهوری

میرعلی سلیم اف (آذر)

نشریه رودکی (پژوهش‌های زبانی و ادبی در آسیای مرکزی)، شماره ۴۵، پاییز و

زمستان ۱۳۹۴ □ ص ۶۱-۷۵

چکیده:

میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی و محمد اقبال لاهوری دو شاعر مشهور ادبیات فارسی تاجیکی هستند که اولی، نماینده اوج شعر و شاعری در قلمروی شبه قاره هند تاریخی و دومی، تمثال موجودیت شعر و شاعری به زبان فارسی پس از تغییر مرزهای تاریخی در آن سرزمین کهن است. میان این دو شاعر توانا مشترکات زیادی را جست و جو کردن ممکن است که از جمله آن ها یکی «غم شریکی» است. بعد از تأمل در اشعار میرزا بیدل- برای مثال قسمت های آخر مثنوی طلسم حیرت- درمی یابیم که بعضاً اندیشه های شاعر به گونه ای جمع بست می شوند که در ذهن خواننده آشنا با شعر اقبال لاهوری، غیراختیار محتوای همگون به ذهن می نشیند و مانند عیبی در افکار این دو فرزانه مرد مشاهده می شود. در این مقاله به ففت مقدمه و گام نخستین در آموختن مشترکات معنایی میان اشعار بیدل و اقبال، فقط درباره مشترکات «غم خودشناسی» بحث می شود. تفاوت اقبالی حکمت اقبال با میرزا بیدل درباره مسئله مذکور در آن است که یکی از رسیدن به مقام انسان کامل حرف می زند و دیگری از ساختن جمعیتی که آزاد و وارسته باشد؛ اما هر دو ابزار رسیدن به مقصد را در پیدا کردن راه و روش خاص خود می دانند.

۱۶. بررسی نظریه رنسانس اسلامی در تفکرات اقبال لاهوری

پرستو کلاهوزها*، حمید عابدیها

[دو فصلنامه جستارهای تاریخی، سال ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴](#) □ ص ۶۹-۸۸

چکیده:

مسئله تجدید حیات اسلام و در مرحله پیش رفته تر آن، «رنسانس اسلامی»، به طور ویژه در دو قرن اخیر از طرف مصلحان و متفکران دینی جهان اسلام، به منظور حل و فصل مسئله عقب ماندگی و نیز برخورد با مسئله هجوم فرهنگ و استعمار غربی، مطرح شده است. به عقیده بسیاری از محققان، اقبال لاهوری از مهم ترین اصلاح گران دینی است که در استمرار جنبش احیای نقش عمده ای داشته است. او فیلسوفی آشنا با مبانی فکری اسلام و مسلمانی آگاه به وضعیت جوامع اسلامی بود و با این دانش و بینش، فعالیت های اصلاح طلبانه خود را ادامه می داد و در نهایت ایده يك کشور مستقل را برای اولین بار در میان مسلمانان هندوستان مطرح کرد. اقبال در عرصه شعر و ادب از نوادر به شمار می رفت و سروده های خود را در خدمت آگاهی توده ها و بیدار کردن آنان قرار می داد؛ تا جایی که اکنون در نگاه اغلب اندیشمندان، وی یکی از نخستین منادیان وحدت اسلامی در جهان به شمار می رود. عمده ترین مباحث رنسانس اسلامی اقبال در کتاب احیای فکر دینی در اسلام تبیین شده و محور اساسی جهان بینی وی فلسفه «خودی» است. این نوشتار بر آن است ضمن تعریف جریان رنسانس اسلامی، آن را در آثار اقبال بازشناسد و علل گرایش او بدین مقوله را ارزیابی و سپس میزان تاثیرگذاری نظریات وی در جهان اسلام را تحلیل کند.

کلیدواژگان: اقبال لاهوری، رنسانس اسلامی، احیای فکر دینی، انحطاط مسلمانان، استعمار غرب، استقلال پاکستان

۱۷. چهار رکن جامعه اسلامی از نگاه علامه اقبال لاهوری

امیر حجازی

[فصلنامه ندای اسلام، شماره ۶۲، ۱۳۹۴](#) □ ص ۲۱

۱۸. مولفه های پایداری در اشعار فارسی علامه اقبال لاهوری

دکتر احمد امیری خراسانی، عبدالاحمد احسانی*

[نشریه ادبیات پایداری، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳](#) □ ص ۱-۲۴

۱ نقد و بررسی تشبیه در مثنوی اسرارخودی اقبال لاهوری

۹ دکتر عباس نیکبخت، محمد انصاری پویا
فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال هفتم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۴ □ ص ۱۳۵-۱۵۴

چکیده:

اقبالدر مثنویاسرار خودی، از عنا □ ربیانیمختلفی، بخصوص □ تشبیه، بر ایبیباناندیشه-هاومفاهیمومعانیاندر زگونهیخودبهر هجست هاست.
اینجستار بر آناستنااز طریقاستفادهاز جامعهماری، ساختار هایتشبیهیموجوددر اسرار خودیاقبالر امشخصوانواعتشبیهاتوعنا □ رتشکیلدهندهیانهار اباانماید.
مبنایاینمقالهاز جهتساختار بیر اساسمصرفیوتحلیلانواعتشبیهاتاز جهتعنا □ رموادبکار رفته، حسیوعقلیبودنظرفین، فشر دگیوگس تر دگیساختار تشبیهات، مفردومر کببوندنظرفین، شکلووجه-شبهدر اسرار خودی، استوار گردیدهوروشکار بر پایهیتو □ یفوتحلیله داده-ها، از دیدگاهاسلوب-هایبلاغتاست.
ضمناینکهدر پایان، بر اساسجداولاماری، جایگاهانواعتشبیهدر اسرار خودیاقبالنشاندهشدهاست.
بالانجاماینپژوهشدر می-یابیمکعتشبیهدراسرار خودیاز عنا □ ربیانیمهمیر ایبیباناندیشه-هایاقبالبودهور در اشکالمختلفیهکار رفته است.

کلیدواژگان: اقباللاهوری، اسرار خودی، تشبیه، ساختار

۲۰. چرایی اقبال شریعت به اقبال لاهوری

حسین سخنور

ماهنامه نسیم بیداری، شماره ۵۸، اردیبهشت ۱۳۹۴ □ ص ۸۰

۲۱. ما و اقبال، امروز: گفت و گو با احسان شریعتی در بار اقبال لاهوری و نقش او در شکل گیری نو اندیشی دینی

ماهنامه نسیم بیداری، شماره ۵۸، اردیبهشت ۱۳۹۴ □ ص ۸۶

۲۲. نقد و تحلیل نظریه «انکار مهدویت» اقبال لاهوری با تکیه بر اشعار اردوی وی

منصور نیک پناه*

فصلنامه پژوهش های مهدوی، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۳ □ ص ۱۲۷

چکیده:

باور به حضرت مهدی 4 و منجی آخرالزمان برای مسلمانان از شاخص ترین وجوه اعتقادی به شمار می آید. اشتراک در این عقیده بین همه فرق اسلامی امری بارز و مشهود است. از این رو متهم کردن شخصیت یا فرقه ای به اعتقاد نداشتن به این □ □ □ ل □ ا □ یل اسلامی، پذیرفتنی نیست، مگر این که چنین فردی را یا ناآگاه قلمداد کنیم یا عرض ورزی و جهت گیری را در قضاوتش دخیل بدانیم. مثلاً این که شخصی همچون اقبال لاهوری با آن شور مذهبی و حساسیت دینی با اتهام انکار مهدویت رانده شود، امری ثقیل و ناپذیرفتنی به نظر می رسد. در این نوشتار، ضمن بازگو کردن اعتراضی که به اقبال وارد شده، با استناد به آثارش _ به ویژه آثار اردوی او _ در □ د پاسخ دادن به این اعتراض خواهیم بود.

کلیدواژگان: مهدویت، اقبال لاهوری، انکار مهدویت، اشعار اردو، عبدالکریم سروش

۲۳. نقد عقلانیت در مثنوی مولانا و کلیات اقبال لاهوری

دکتر محمد بهنامفر، پرویز درویشی، دکتر ابراهیم مجدی

فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۳ □ ص ۷-۳۴

چکیده:

اقبال لاهوری از خیل ارادتمندان به ساحت پیر رومی است که مستقیم و غیر مستقیم در تمام زمینه ها تحت تاثیر افکار او بوده است. یکی از مهمترین مضامینی که هم در مثنوی و هم در آثار اقبال بازتاب چشمگیری دارد بحث نقد عقلانیت است که هر دو گاهی بالاترین

تمجیدها و ستایش‌ها را از عقل دارند و گاهی با تازیانه‌ی انتقاد بر سرش می‌کوبند. این امر باعث شده است که برخی ناآگاهانه آن‌ها را به عقل ستیزی متهم کنند، لذا نگارندگان کوشیده‌اند تا در این مقاله به تبیین عقل و عقلانیت از دیدگاه مولانا و اقبال بپردازند. نتایج این تحقیق که به شیوه‌ی تحلیل محتوا □ ورت گرفته حاکمی است که هر دو نه تنها عقل ستیز نیستند، بلکه بهترین ستایش‌ها را از عقل به دست داده‌اند و مخالفت آنها با عقل فلسفی است اما از آنجا که این نعمت الهی در دست عده‌ای عامل اختلاف بین مردم شده و به جای راهنمایی و هدایت آنها خود ابزار تباہی جامعه گردیده بود با آن به ستیز برخاستند و در واقع عقل‌ستیزی آنها نوعی واکنش اجتماعی و حاکمی از یک نظام اندیشگی والاست که می‌خواهند عقل محدود گرفتار نفس را آزاد کنند.

کلیدواژگان: مولانا جلال الدین، اقبال لاهوری، مثنوی، کلیات اقبال، نقد عقلانیت

۲۴. تحلیل جامعه‌شناختی توسعه نیافتگی ملل مسلمان و راه‌های برون رفت از آن از منظر علامه اقبال لاهوری
غلامرضا جمشیدی‌ها ، □ دبقه پیری
فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۳ ص ۵۵

چکیده :

علامه اقبال لاهوری (۱۳۱۷ - ۱۲۵۶) تحت تاثیر اوضاع نابهنجاری که گریبانگیر جهان اسلام شده بود و نیز با آگاهی و درک عمیقی که از مبانی فکری دنیای شرق و غرب داشت خود را متعهد به سرنوشت انسان مسلمان می‌دانست. مهم ترین سوالاتی که این مقاله بر آن است تا بدانها پاسخ دهد، عبارتند از: علامه اقبال چه عواملی را موجب توسعه نیافتگی مسلمانان می‌داند؟ راهکارهای وی برای برون رفت مسلمانان از این توسعه نیافتگی چیست؟ آیا می‌توان واقعیت‌های موجود در کشورهای مسلمان عصر حاضر را با اندیشه‌های اقبال تفسیر کرد و آیا می‌توان جامعه ایده آل اقبال را در شرق یافت؟ چارچوب نظری تحقیق ملهم از مکتب وابستگی به خصوص نظریات پل باران است. روش پژوهش کتابخانه‌ای است. در این مقاله عوامل توسعه نیافتگی مسلمانان در قالب دو بخش درونی و بیرونی و راهکارهای رهایی در دو سطح کلان و خرد تقسیم بندی شده‌اند.
کلیدواژگان: اقبال لاهوری، تحلیل جامعه‌شناختی، توسعه نیافتگی، وابستگی، شرق، سلطه، خودی و بی خودی

۲۵. اسلام، مدرنیته و تجربه ی دینی: با رویکرد به مفهوم تجربه ی دینی از نگاه محمد اقبال لاهوری

قاسم پورحسن ، مژگان خلیلی
فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۳ □ ص ۳۱-۴۸

چکیده :

تجربه ی دینی برآمده از سنت اسلامی ما از مبنا باتجربه ی دینی مبتنی بر مدرنیته متعارض است. موقعیت اندیشه ی فلسفی امروز مان بازاندیشی درباره ی مبانی این دو و رابطه شان را ضروری می‌کند. اقبال نخستین متفکر اسلامی است که با مفهوم «تجربه ی دینی» و «مبانی علمی مدرن» به بازاندیشی مسائل اساسی اسلام و تبیین‌هایی اساساً متعارض با ماهیت مبانی آن می‌رسد. موضوع ما نقد پیامدهای دیدگاه او نیست، بلکه دو مساله در روی کرد اوست: یکی معرفت مشکک □ ل از تجربه ی دینی مبتنی بر «جهان بینی مادی»، دوم بُعد سومی به نام «روحانی بودن»، که به این معرفت‌مدرن اضافه می‌کند. این دو، برخلاف تلاش اقبال، جمع پذیر نبوده‌اند و امروزه دیگر رفع شدنی هم نیستند. فهم موقعیت دیالکتیکی این دو متناقض در بطن فرهنگ امروز، زمینه ساز خودآگاهی به نحوه ی مواجهه ی امروزی مان باریشه ی حقیقت یا خدا و موقعیت اندیشه ی فلسفی مان است.
کلیدواژگان: تجربه ی دینی؛ مدرنیته؛ معرفت و تجربه ی دینی؛ خودشناسی و مدرنیته؛ تجربه ی خدا و مدرنیته

۲۶. پیام‌های جهانی و انسانی مولوی در مقابل بحران‌های جهان مدرن از دیدگاه اقبال

لاهوري (انگلیسی)

سید علی سراج ، □ دبیقه الهی

مجله بین المللی علوم انسانی، سال بیست و یکم، شماره ۲، ۲۰۱۴ □ ص ۸۷-۱۰۶

چکیده :

مفاهیم به کار رفته در اشعار اقبال لاهوری نشان می دهد که شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بر شکل گیری افکار و اندیشه های وی تاثیر فراوانی داشته است. اقبال با تاثیرپذیری از سه منبع، یکی فلسفه ای مبنی بر کمال روحانی و دیگری از نوعی عقیده اتحاد اسلامی برای تبلیغ در میان مسلمانان و سومی عقیده سیاسی نسبت به مملکت خود، به بحران های سیاسی اجتماعی جهان امروز که مسلمانان به آن دچار شده اند. پرداخته است و با رهنمودهایی که از مولوی - به عنوان مرشد و پیری که با تامل در اندیشه هایش بسیاری از مسائل جدید دنیای اسلام و ملت های استعمار زده حل شدنی است - گرفته، به بسیاری از این بحران ها پاسخ داده است. اقبال در جاویدنامه، معتقد است شاعران اهل سوز و گداز عاشقانه، قلب تپنده ای هستند، که در سینه ملت جای گرفته و خون حیات بخش را در رگهای ملت جریان می دهند. چنین شاعرانی باعث ایجاد تحرك و تکان و ملت می شوند. اقبال این دسته از شاعران را «وارث پیغمبر» می خواند که رسالت هدایت مردم را بر دوش خود احساس می کنند. جلال الدین محمد بلخی، سمیل یک شاعر متعهد و عاشق است که در کالبد مردم، روح حیات می دمد و با نوای آتشین خود در عالم تحول ایجاد می کند. اقبال او را سرخیل عاشقان می داد که راهنمای ایشان، به سلسبیل مقصود است. پیر رومی از نگاه اقبال، همسفری است که همراه شدن با او موجب رحمت و بهره مندی از الطاف خداوندی است. او با سالکان طریق عشق الهی تو □ یه می کند که با او همراه و همدل شوند تا به برکت این خضر، خود را بشناسند و به نیروی ایمان منشا کردارهای بزرگ گردند و به سر منزل مقصود ره یابند.

کلیدواژگان: اقبال لاهوری، جاویدنامه، مولوی، جهان مدرن، بحران هویت و از خودبیگانگی

۲۷. خودشناسی و خودباوری در اشعار اقبال لاهوری (زمانه با تو نسازد، تو با زمانه ستیز)
محمد گل □ نملو

فصلنامه رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۱۱۲، زمستان ۱۳۹۳ □ ص ۲۸

۲۸. سیمای امام علی (ع) در آثار اقبال لاهوری (انگلیسی)

قریان علمی*

فصلنامه پژوهش های نهج البلاغه، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۳ □ ص ۱۹

۲۹. بررسی تاثیرات فکر یونانی بر فرهنگ علمی مسلمانان از منظر «محمد اقبال لاهوری»
قاسم زائری

نشریه نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان، سال دوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱ □ ص ۸۷-۱۱۱

۳۰. مبانی اندیشه فردریش نیچه و اقبال لاهوری با تاکید بر انسان شناسی و فلسفه سیاسی
شجاع احمدوند*، محسن سلگی

فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، شماره ۸، بهار ۱۳۹۳ □ ص ۱۴۱

چکیده :

در این نوشتار، مقایسه اندیشه نیچه و اقبال لاهوری در چهار بُعد معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی مقصود قرار گرفته است. درحالی که نیچه با هر سه مولفه نخست، سر ستیز دارد، اما لاجرم می‌توان از وجود هر چهار محور شناخت در اندیشه وی سخن گفت. معرفت‌شناسی عقل‌ستیز، هستی‌شناسی الحادی و نامعنا‌یور متکی بر مفهوم قدرت، روش‌شناسی متکی بر شهود غریزی- و نه شهود الهی- و انسان‌شناسی طبیعت‌گرای متکی بر مفهوم غریزه در نزد نیچه در برابر معرفت‌شناسی عشق محور، هستی‌شناسی توحیدی، روش‌شناسی ترکیبی مشتمل بر عقل، علم و اشراق و انسان‌شناسی عشق‌بنیاد اقبال قرار می‌گیرد. اما وجوه تشابه در چهار محور فوق‌الذکر در اندیشه این دو فیلسوف- شاعر قابل‌شناسایی است که این مقاله بخشی از جهد خود را بر آشکارکردن آن نهاده است. پرسش اصلی اینکه چه تفارق و تشابهی میان نیچه و اقبال در چهار محور اندیشه وجود دارد؟ مدعای اصلی می‌گوید که رنوس مبنایی اندیشه آن‌ها، عمدتاً مفارق هستند، اما تشابهاتی نیز هرچند مختصر با یکدیگر دارند. شناخت مبانی مزبور، الزامی برای درک فلسفه سیاسی دو متفکر مورد مطالعه است. این مقاله از روش اسنادی با رجوع به منابع عمدتاً کتابخانه‌ای بهره برده است.

کلیدواژگان: معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی

۳. تقابل‌های معنایی در اشعار اقبال لاهوری

۱ فیروز فاضلی، هدی پڑهان*

. نشریه کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ص ۱۴۷

چکیده :

تقابل‌معنایی‌یک‌پارچه‌ی‌لوازم‌عنا □ بنیادین‌در‌بررسی‌معناشناختی‌ساختار‌ی‌آثار‌ادبی‌است‌که‌در‌قابالگو‌بیم‌ن‌س‌جم‌ن‌ظ‌ام‌ند‌به‌کار‌گرفته‌م‌د‌شود. در‌کاین‌نظام‌طرح‌□ لیکه‌شیکه‌ای‌ساز‌مانیافته‌ر‌اتسک‌یل‌م‌ید‌ه‌د‌ک‌م‌کشای‌ن‌ی‌ه‌ش‌نا‌خ‌ت‌ج‌ه‌ان‌ذ‌ه‌ن‌وز‌بان‌ش‌اعر‌م‌یک‌ند. اگرچه‌این‌ساختار‌در‌زبان‌اقبال‌لاهوری‌از‌ان‌س‌ج‌ام‌وی‌ک‌پ‌ار‌چ‌گ‌یز‌بان‌ش‌اعر‌ان‌ز‌ده‌ن‌خ‌س‌ت‌ز‌بان‌و‌ادبیات‌ف‌ار‌س‌یه‌چ‌ون‌ح‌اف‌ظ‌و‌م‌ول‌ان‌اب‌ر‌خ‌ور‌دار‌نیست، اما‌به‌سبب‌پی‌ر‌و‌ی‌و‌ت‌ا‌ث‌یر‌پ‌ذ‌یر‌ی‌از‌ب‌ز‌ر‌گ‌ان‌ی‌چ‌و‌ن‌م‌ول‌و‌ید‌ر‌و‌ز‌ن‌وز‌بان‌و‌ان‌د‌ی‌ش‌ه‌، این‌ویژگی‌ز‌بان‌ید‌ر‌ش‌ع‌ر‌ا‌و‌پ‌ر‌ر‌ن‌گ‌و‌ب‌ر‌ج‌س‌ت‌ه‌ش‌د‌ه‌ا‌س‌ت. بر‌رسید‌ن‌گ‌ا‌ه‌پ‌یر‌و‌ان‌م‌ک‌ت‌ب‌س‌ا‌خ‌ت‌ار‌گ‌ر‌ای‌ی‌و‌ن‌ظ‌ر‌ب‌ه‌ت‌ب‌ی‌ن‌ت‌ق‌ط‌ب‌ه‌ا‌ی‌د‌و‌گ‌ان‌ه‌ر‌و‌ش‌ک‌ار‌ق‌ر‌ا‌ر‌گ‌رف‌ت. بر‌این‌م‌ب‌ن‌ا‌ر‌ی‌ش‌ه‌ه‌ا‌ی‌ان‌د‌ی‌ش‌ه‌ت‌ق‌اب‌لی‌و‌ن‌ی‌ز‌ش‌ب‌ک‌ه‌م‌ض‌ا‌م‌ی‌ن‌م‌ت‌ق‌اب‌ل‌د‌ر‌ک‌لی‌ا‌ت‌ا‌ق‌ب‌ال‌ب‌ر‌ر‌س‌ی‌ش‌د‌و‌س‌ر‌ان‌ج‌ام‌ش‌ب‌ک‌ه‌ن‌ظ‌ا‌م‌ن‌د‌ت‌ق‌اب‌ل‌ه‌ا‌ی‌م‌ع‌ن‌ا‌ی‌ک‌لی‌ا‌ت‌ا‌و‌ب‌ه‌ت‌ص‌و‌ی‌ر‌ک‌ش‌ی‌د‌ه‌ش‌د. در‌ک‌لی‌ا‌ت‌ا‌ق‌ب‌ال‌لاهوری‌چ‌ند‌ی‌ن‌ح‌وز‌ه‌ت‌ق‌اب‌لی‌و‌ج‌ود‌دار‌د‌ک‌ه‌ر‌ی‌ک‌د‌ر‌د‌ه‌م‌ف‌ا‌ه‌ی‌م‌ا‌ر‌ز‌ش‌م‌ن‌د‌و‌ب‌ی‌ا‌ر‌ز‌ش‌، ک‌ف‌ر‌و‌ای‌م‌ان‌، خ‌ود‌ی‌و‌ب‌ی‌خ‌و‌د‌ی‌، ع‌ر‌ف‌ان‌ی‌، عاشقانه‌ت‌ق‌اب‌ل‌بر‌سیاست.

کلیدواژگان: تقابل‌معنایی، مضامین‌متقابل، ساختار‌گرای، اقبال‌لاهوری

۳۲. اقبال لاهوری، روشنفکر دینی پیشین

فتح‌الله‌مجتبائی

ماهنامه کتاب ماه دین، شماره ۱۹۵، دی ۱۳۹۲ ص ۶۸

۳۳. رموز زندگی از نظر علامه اقبال لاهوری

حکیمه‌دبیران

ماهنامه رادیو، شماره ۷۷، آذر ۱۳۹۲ ص ۱۸۶

چکیده :

علامه اقبال عقیده و اندیشه‌ی خویش درباره‌ی زندگی و رمز و راز آن را در اشعارش بازتابی روشن داده‌است. مضامین بلند عشق، ایمان، امید و آرزو، تلاش و کوشش، حرکت و پویایی، آینده‌نگری و خودشناسی در آثار اقبال جایگاه روشن و گسترده‌ای دارد و آنگاه که این مضمون را با مفهوم زندگی پیوند می‌دهد، درخشش و جلوه‌ی دیگری پیدا می‌کند. اقبال آرزو و امید را سرمایه‌ی ا □ لی زندگی، و زندگی را گنجینه‌دار این سرمایه‌ی ارزشمند می‌داند. خودی، خودشناسی و خودسازی از نظر علامه اقبال با قداست طوف حرم برابر است. وی آزاده‌ی زندگی کردن و از زیر بار ناملایمات رستن و قد خم نکردن در برابر دیگران را از رموز زندگی می‌داند:

زندگی از طوف دیگر رستن است خویش را بیت الحرم دانستن است (اقبال، ۱۳۷۶: ۴۵)

اقبال با توجه به آیات قرآن کریم سیر انفسی را برای انسان لازم و ضروری می‌شمارد و

به تعبيري زيبا در خود نگرستن و به شناخت خود رسيدن را چون مجموعه و خلا □ ه ي نوري مي‌داند که در فطرت ما نهان است و ظهور و بروز جرقه‌هاي آن، راه درست زندگي را براي ما نمايان ساخته، ما را به سوي هدايت و کاميابي رهنمون مي‌سازد: نقطه ي نوري که نام او خوديست زير خاک ما شرار زندگيست (اقبال، ۱۳۷۶: ۴۵)
کلیدواژگان: زندگي، اقبال، خودي، اميد، حرکت و پويابي

۳۴. **بررسی مولفه های پایداری در فارسی سروده های علامه اقبال لاهوری**
یحیی طالبیان، احمدرضا بیابانی*

فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۲۱

چکیده :

اینکه چه شاخصه هایی از اندیشه های يك شاعر یا نویسنده را می توان در ردیف مولفه های پایداری آورد، از مهم ترین وظایف ادبیات پایداری محسوب می شود. ادبیات پایداری -که شاخه ای از ادبیات متعهد به شمار می آید-، در ادب فارسی ریشه ای دیرینه دارد و شاعران و نویسندگان متعددی به این مسئله پرداخته اند. علامه اقبال لاهوری از اندیشمندان مسلمان و پارسی گوی هند است که دارای اندیشه های پایداری بسیار رفیعی است و در عظمت شخصیت و جایگاه شعری وی همین نقل کافی است که به قول ملک الشعراي بهار «قرن حاضر را باید به نام نامی وی مزین کرد». در پژوهش پیش رو، پس از ارائه تعاریفی کلی پیرامون ادبیات مقاومت و نیز معرفی اجمالی شخصیت و افکار علامه اقبال لاهوری، ضمن برشمردن مولفه های پایداری و ارائه تصویری روشن از این شاخصه ها، به استخراج شاهدمثال هایی از اشعار فارسی این شاعر گرانقدر مبادرت ورزیده شده است. در نهایت این نتیجه کلی حاصل می آید که جهان وطنی اسلامی، ویژگی بارز شعر و اندیشه علامه اقبال لاهوری است که از اعتقاد راسخ وی به خداوند و دین اسلام سرچشمه می گیرد.

کلیدواژگان: ادبیات مقاومت، علامه اقبال لاهوری، مولفه های پایداری

۳۵. **دین از نگاه اقبال لاهوری**

جمشید دیوانی

دو ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۸۱، شهریور و مهر ۱۳۹۲، ص ۱۲۷

۳۶. □ **لاح دینی و «تابش اندیشی» اقبال لاهوری**

محمود □ دری

دو ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۸۱، شهریور و مهر ۱۳۹۲، ص ۱۳۳

۳۷. **حکمت خودی و فلسفه ی شرقی در نگاه اقبال لاهوری**

عزیزا... سالاری

فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۵۳

چکیده :

علامه اقبال لاهوری نظریه پرداز فلسفه و حکمت خودی است که حکمت درآمیخته با درد و عشق و نیز عشق همراه با حکمت و خردورزی و خودباوری را که از ژرفای فطرت، خلقت و حقیقت برخاسته، بیان می دارد. پیامدهای چنین حکمتی عبارت اند از: حرکت، حرارت، تپش، کوشش، مقاومت، پویایی، رهایی و تعالی:

ای خوش آن کو از خودی آیینه ساخت و اندر آن آیینه عالم را شناخت (۱۶، ص: ۴۲۸)

نقطه ی نوری که نام او خودی است زير خاک ما شرار زندگي است
(۹، ص: ۱۴)

یا:

تو خودي اندر بدن تعمير كن ميثت خاك خویش را اكسير كن
(۱۶)، ص: ۴۱۹)
نظام دیدگاهی اقبال گونه ای خرد و عرفان نورانی شرقی است که افزون بر نفي خرد غربی (سکولاریزم،
فمینیسم، مارکسیسم، اپیکوریسم، نیپیلیسم، ناسیونالیسم، امپریالیسم و ...) بر ابعاد گوناگون شخصیتی يك
انسان آرمانی تاکید می ورزد؛ انسانی که هم دارای خرد رحمانی و هم صاحب دل، پرتپش، پویا و ستم
سوز است.

کلیدواژگان: خدا، حکمت خودی، اقبال لاهوری، فلسفه شرقی

۳۸. روش تفسیر قرآن از نگاه اقبال لاهوری

محمد مجدی گرگانی

دو ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۸۰، مرداد ۱۳۹۲ ص ۱۰۷

۳۹. ابعاد اسلام گرایی اقبال لاهوری در کلیات اشعار فارسی (انگلیسی)

فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال پنجم، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۲ □ ص ۱۶۷-۱۹۰

چکیده:

اقبال لاهوری از شخصیت های شاخص و پیشرو اسلامگراست که آموزه های قرآن کریم، سنت نبوی، میراث فرهنگی و مدنی تمدن اسلامی در آثارش اهمیت ارجاعی زیادی دارد. اسلامگرایی او از سویی واکنشی بود در مقابل عملکرد غرب (فرنگ)، و مکاتب فکری و فلسفی آن و از سویی دیگر بازخوانی آرمانشناختی (ایدئولوژیک) احکام دینی، رفتارهای نبوی و بازیابی میراث فکری تمدن اسلامی و خلا □ ه بازگشتی آگاهانه و نواندیشانه به خودی (خویشتن) دینی، فرهنگی و تاریخی. در این خوانش، اسلامدین فطرت است و نه تنها مایه ی رهایی و عزت مسلمانان بلکه نسخه ی رهایی همه انسان ها ستو مبانی اجتهادی آن با اقتضائات زمانی سازگار می باشد. بخش مهمی از اندیشه های اسلامگرایانه ی اقبال در کلیات اشعار فارسی این شاعر متعهد به اسلام تجلی یافته است. اسلامگرایی اقبال را در کلیات اشعار فارسی می توان در پنج محور دسته بندی کرد:
(۱) محوریت قرآن کریم و پیامبر اسلام (۲) اهتمام به وحدت و اخوت اسلامی (۳) خویشتن-یابی و توجه □ ولی به میراث تمدن اسلامی (۴) نواندیشی و بازخوانی آرمانشناختی احکام دینی (۵) مبارزه با سازمان فکری و سلطه فرهنگ فرنگ

کلیدواژگان: شعر فارسی متعهد، اقبال لاهوری، اسلام گرایی (اسلامیسم)، کلیات اقبال لاهوری، نواندیشی دینی، وحدت اسلامی

۴۰. روش تفسیر قرآن از نگاه اقبال لاهوری بخش نخست

محمد مجدی گرگانی

دو ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۷۹، تیر ۱۳۹۲ ص ۱۰۴

۴۱. بررسی تطبیقی اندیشه های علامه اقبال لاهوری و امیر الشعرا شوقی

مهدی ممتحن، محبوبه بهمنی

فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۱ □ ص ۷-۳۰

چکیده:

علامه اقبال لاهوری شاعر فارسی زبان هندی و امیرالشعرا شوقی شاعر عرب زبان مصری، هر يك در دوره زندگانی خود از سرشناس ترین شاعران کشورشان به شمار

می آمدند. شرایط اجتماعی و سیاسی تقریباً مشابه حاکم بر جماه هند و مصر در قرن نوزدهم، باعث به وجود آمدن اندیشه هدای مشترک در ذهن و زبان این دو شاعر وطن پرست گردیده است. در این مقاله سعی ما بر این بوده است، بنا بر بررسی شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جماه هند و مصر، به بررسی اندیشه هدای مشترک این دو شاعر بپردازیم. مهمترین منابع در تهیه این مقاله دیدوان شار اقبال و شوقی می باشد و آنچه بیان شده است، تنها به استناد شعر آنان می باشد.

کلیدواژگان: علامه اقبال لاهوری؛ امیرالشاراشوقی؛ اندیشه های مشترک؛ دیدن؛ قرآن؛ مدح؛ وطن

۴۲. فردای روشن بررسی موضوع امید در مثنوی «پس چه باید کرد ای اقوام شرق» از اقبال لاهوری
دکتر مریم شعبانزاده

فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۱ ص ۲۷

چکیده :

اقبال لاهوری یکی از شاعرانی است که متعهدانه مسایل و مشکلات جامعه و مردم کشور خود را در شعرش منعکس کرده و در بیداری مردم سرزمین خود و تاسیس کشور پاکستان نقش مهمی داشته است. وی در شمار معدود شاعرانی است که امید به آینده در شعرشان موج می زند و خوشبینانه پیشنهادهای برای درمان دردهای اجتماعی مردم جامعه خود ارائه کرده اند. نکته شایان توجه در شعر او آن است که وی نه تنها مشکلات را بازتاب می دهد بلکه راه حل هایی را هم بیان می کند که از بینش اسلامی وی برخاسته است. وی در منظومه ی «پس چه باید کرد ای اقوام شرق؟» از دیوان خود، مشکلات جوامع اسلامی را بیان و برای آن ها راه حل ارائه کرده است. جستجوی ریشه های عقیدتی خوشبینی اقبال، و روش های او برای حل مشکلات اجتماعی، سوال اولی این تحقیق است. این تحقیق برآن است تا بن مایه های فکری، مضامین و شاخصه های زبانی و ادبی این رویکرد متعهدانه را در اشعار اقبال با نگاهی جامعه شناختی بررسی کند.

کلیدواژگان: اقبال لاهوری، ادب تعلیمی، جامعه شناسی ادبی، شعر متعهد

۴۳. خودی و خودباوری در اندیشه ی اقبال لاهوری

فاطمه جعفری، دکتر سیدحسن سیدترابی

فصلنامه گیلان ما، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۱ ص ۵۷

۴۴. جستاری در مفهوم و ماهیت تجربه دینی از دیدگاه اقبال لاهوری

علی پریمی

ماهنامه معرفت، شماره ۱۸۳، اسفند ۱۳۹۱ ص ۶۹

چکیده :

اقبال لاهوری از منظر تجربه دینی به دین نگر بسته و اساس معرفت دینی را تجربه دینی می داند. از این رو، رویکرد دین شناسی اقبال تحت رهیافت تجربه دینی است که به دین به منزله معرفتی که محصول نوعی تجربه است می نگرد. او معرفت دینی را تفسیر تجربه دینی، و مانند دیگر تجربه های انسان، معرفت بخش می داند. اقبال اولین کسی است که از تجربه دینی و همسان بودن وحی با آن سخن به میان آورده و از تحویل و ارجاع وحی اسلامی به تجربه دینی سخن گفته است. این دیدگاه دارای لوازمی همچون نفی سرشت زبانی وحی، نفی عصمت پیامبر و خطاپذیری وحی، بشری بودن و الهی نبودن دین، نفی خاتمیت و بسط تجربه نبوی می باشد. هدف نوشتار حاضر، بیان تو فیف ماهیت تجربه دینی و تبیین رویکرد معرفت شناسی، روش شناسی و دین شناسی و تجربه دینی

اقبال مي باشد که با روش تو ینی و تحلیلي، با تبیین دیدگاه اقبال به پیامدها و اشکالات و نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت.

کلیدواژگان: اقبال لاهوري، تجربه دینی، معرفت دینی، تجربه، دین، وحی

۴۵. جستاری در فهم تفارق و تشابه «ابرمرد» فردریش نیچه و «انسان کامل» اقبال لاهوري
ابراهیم برزگر، محسن سلگی
فصلنامه سیاست، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۱ □ ص ۲۴۷-۲۶۲

چکیده:

مقایسه «ابرمرد» نیچه و «انسان کامل» اقبال لاهوري موضوع این نوشتار است تا وجوه افتراق و اشتراك آنها هویدا شود. هر دو فیلسوف رویکردی نو و بدیع به «انسان آرمانی» دارند. ابرمرد نیچه برای نخستین بار بوسیله خود او بیان شده است. انسان کامل تعبیری است که در سپهر اندیشه اسلامی، نخستین بار توسط محی الدین عربی به کار برد. با وجود این، اقبال نیز در تبیین مفهوم انسان کامل به شیوه تقلیدی □ رف عمل نکرد، بلکه به گونه ای تاسیسی، تاریخ اندیشیدن درباره انسان کامل را توسعه و تعالی بخشیده است. توجه و علاقه اقبال به نیچه و شباهت های انسان آرمانی آنها سبب شده تا عده ای به اشتباه این دو مفهوم را یکی انگارند. نیچه از مطرح ترین فیلسوفان معاصر □ ر غرب در ایران و اقبال، شناخته شده ترین فیلسوف معاصر □ ر مسلمان در غرب است. «ابرمرد» و «انسان کامل» دایرمدار و مهم ترین حاکم □ ل فکری آنهاست.

کلیدواژگان: ابرمرد؛ آرمان؛ انسان کامل؛ بازگشت جاودان؛ جاودانگی؛ دین و اخلاق

۴۶. بررسی تطبیقی آثار اقبال لاهوري و رالف والدو امرسون بر اساس مفهوم خودباوری
علی علیزاده، علی ارفع
فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، سال چهل و چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰ □ ص ۳۹

چکیده:

شباهت های فراوانی می توان بین آرا و افکار اقبال لاهوري و رالف والدو امرسون یافت. اقبال لاهوري مسلمان متعلق به منطقه خاور میانه است که آشنایی کاملی با فرهنگ غرب دارد. از طرف دیگر، امرسون، فیلسوفی امریکایی است که به شدت تحت تأثیر فلسفه شرق قرار دارد. مفهوم خودباوری از جمله مفاهیمی است که هر دوی این شخصیت های ادبی بر آن تأکید فراوان دارند و آن را منشاء امید در زندگی می دانند که انسان را به حقیقت زندگی راهنمایی می کند. هم علامه اقبال و هم امرسون از خود آگاهی در خلوت به عنوان ابزاری سخن به میان آورده اند که با آن آدمی اسرار درونی خود را کشف کرده و به آنها پی می برد. به نظر آنان این خودآگاهی مانع از تقلید محض و بی چون و چرای واقعیت ها در زندگی انسان می گردد. در این تحقیق وجه اشتراك افکار و آرای این دو نویسنده را از منظر خودباوری به گونه ای که در مجموعه «اسرار خودی» توسط اقبال لاهوري و مقاله «خود باوری» توسط امرسون ارائه شده است، معرفی خواهیم نمود

کلیدواژگان: ادبیات فارسی، ادبیات انگلیسی، شعر، خودباوری، اسرار خودی

۴۷. عرفان و خرد شرقی در اندیشه و آثار حکیم اقبال لاهوري
مسعود سرحدی، عزیزالله سالاری

نشریه پژوهشهای معرفت شناختی، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱ □ ص ۱۳۴

چکیده:

علامه اقبال لاهوري، با تکیه بر نظام فکری خویش (حکمت خودی)، بر خرد شرقی مشرق زمینیان و مسلمانان پای فشرده، خرد غربی و فلسفه های مادی گرا، انسان مدار و پوچ انگارانه آنان را به چالش می کشد. حکمت او آمیزه ای از برهان، عرفان، قرآن، حدیث، عشق، درد، فطرت، خودآگاهی، بیداری و شور

و حماسه است که نظر و عمل تعالی بخش را در بر می گیرد. اقبال عقلا نیت حاکم بر دنیای غرب را در قرن و خبر خلاصه کرده و آن را خالی از نگاه (نگه) و نظر و شهود می داند. وی دستاورد فرهنگ و تمدن مغرب زمین را عمران و آبادی خرد ایزاری و ویرانی دل می بیند. او در منظومه «پس چه باید کرد ای اقوام شرق؟» چنین می گوید: دانش افرنگیان غارتگری دیرها خیبر شد از بی حیدری آه از افرنگ و از آیین او آه از اندیشه لادین او روح شرق اندر تنش باید دمید تا بگردد قفل معنی را کلید (اقبال، ۱۳۴۳: ۴۱۰) حکمت غربی، سرانجام از تجاوز و سیطره بر سرزمین های جهان سوم سر بر آورده و خرد غیررحمانی اش با رنگ و نیرنگ و نقشه های سلطه گرانه و فزون خواهانه توأم است. لازمه چنین فرآیندی، مسخ فرهنگ های اصیل ملل محروم و نیز قربانی ساختن معارف و معنویات شرقی و باورهای دینی و کرامت انسانی آنان است. از این رو مردم مسلمان و شرقی را به اندیشه خودی، قوت، همگرایی و خیزش دردمندانه و غیرتمندانه فرا می خواند؛ اندیشه ای که عین صلاح و فلاح و حق است: پس چه باید کرد ای اقوام شرق باز روشن می شود ایام شرق ای اسیر رنگ پاک از رنگ شو مومن خود کافر افرنگ شود.

۴۸. ابداع واژگان در شعر اقبال لاهوری

موسی پیری، احمد آریایی نسب، بهروز سلطانی

فصلنامه بیک نور (علوم انسانی)، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰ ص ۱۳۵

۴۹. رویکرد عرفی شده اقبال لاهوری به دین

رحیم دهقان سیمکانی

فصلنامه معرفت ادیان، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۰ ص ۵

چکیده :

اساسی ترین هدف اقبال لاهوری، بازسازی اندیشه دینی بوده و کوشیده تا با توجه به پیشرفت های اخیر رشته های علم و فلسفه، اصول اسلام را تبیین، و آنها را مطابق با مقتضیات زمان جلوه دهد. ایشان دغدغه دین داشته و اسلام را دین حق یافته است؛ با این حال در تفسیر او از اسلام، عناصری یافت می شود که خواسته یا ناخواسته، او را به تفسیری عرفی شده از دین، سوق داده است. گرایش خاص او به معرفت تجربی، نگرش او به وحی و خاتمیت، تجربه دینی، اندیشه اومانستی، و نیز تأثیر بر نوآندیشان پس از خود، از جمله عناصری است که اندیشه او در باب دین را به سمت قرآنی عرفی شده از دین رهنمون ساخته است. این نوشتار بر آن است تا با تبیین این عناصر، وجوه عرفی شده دین در نگرش اقبال لاهوری را به تصویر بکشد.

کلیدواژگان: دین، عرفی شدن، معرفت تجربی، تجربه دینی، اومانسیم، اقبال لاهوری

۵۰. نقش عقل و قیاس در اجتهاد از دیدگاه استاد مطهری و اقبال لاهوری

لیاقت علی کشمیری، ابوالفضل کیاشمشکی

پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۱ ص ۵۷

۵۱. امامت و ولایت از دیدگاه شهید مطهری و اقبال لاهوری

محمد مهدی گرجیان، گل حسین شاه نظری

پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۱ ص ۷۹

۵۲. بیداری اسلامی در اشعار محمد اقبال لاهوری

محمدحسن اخلاقی

فصلنامه سخن جامعه، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰ ص ۵۳

۵۳. بررسی دلایل انحطاط تفکر اسلامی و راه های احیای آن در اندیشه های استاد مطهری و اقبال لاهوری
بشیر احمد بت
فصلنامه اندیشه تقریب، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۰ ص ۳۹

۵۴. تحلیل تطبیقی سیمای شرق و غرب در شعر حافظ ابراهیم و اقبال لاهوری
دکتر جعفر دلشاد، محمد جواد ا. غزری
کاوش نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰ ص ۱

چکیده :

یکی از موضوع های مهمی که در کانون توجه شاعران معاصر فارسی و عربی قرار داشته است، مساله شرق و غرب است تا جایی که این دو اصطلاح در شعر های بسیاری از آنها، بسامد بالایی دارد. از جمله این شاعران، می توان به حافظ ابراهیم شاعر مصری و اقبال لاهوری پاکستانی که صاحب دیوانی به زبان فارسی است، اشاره نمود. دو شاعر یاد شده، نه تنها در کشور خود، بلکه در دیگر کشورها، به مبارزه با استعمار نامور هستند. در شعر ایشان ماندگاری ها و همسان اندیشی ها و درونمایه های یکسانی در مورد شرق و غرب دیده می شود. از این رو، این نوشتار می کوشد تا با استفاده از روش تو بیفی- تحلیلی و تکیه بر دیدگاه مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی که شرط مقایسه بین دو شاعر را رفقا وجود زمینه های تاثیر و تاثر نمی داند، به بررسی سیمای شرق و غرب در شعر دو شاعر یاد شده پردازد
کلیدواژگان: اقبال، حافظ ابراهیم، شرق، غرب، ادبیات تطبیقی

۵۵. الهیات محیط زیست (گزارشی از آرمان شهر علامه اقبال لاهوری)
سید مصطفی محقق داماد
فصلنامه اخلاق زیستی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۰ ص ۱۷۱

۵۶. جایگاه اقبال لاهوری در حوزه ادبیات تطبیقی و تاثر او از شاعران فارسی زبان تا عصر حافظ*
دکتر ابوالقاسم رادفر
نشریه ادبیات تطبیقی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹ ص ۱۱۷

۵۷. نگاهی به اندیشه وحدت گرایی اقبال لاهوری در اشعار فارسی
بشیر احمد بت
فصلنامه اندیشه تقریب، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۸۹ ص ۴۷

۵۸. ابلیس در شعر اقبال لاهوری و عطار نیشابوری
دکتر پروین دخت مشهور
فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، شماره ۸، تابستان ۱۳۹۰ ص ۱۴۱-۱۵۳

چکیده :

محمد اقبال لاهوری بی گمان یکی از بزرگ ترین شاعران دو زبانه شبه قاره هند و پاکستان است که شعر و ادبیات فارسی تاثیر زیادی در تکامل شخصیت و پدید آمدن آثار وی داشته است. اقبال در نتیجه آشنایی با شعر فارسی و پرورش در مکتب شاعران بزرگی چون سنایی، مولوی، سعدی، حافظ و ... توانسته است در قالب مثنوی و غزل و رباعی و ... سروده هایی زیبا، عمیق و به اسلوب بیافریند که بازتاب اندیشه آنان و دریافت های ذهنی

خود شاعر است. البته، اگرچه اقبال با بهره گیری از تعالیم اسلامی و عرفانی عمیقاً متأثر از مولوی بوده است، اما در برخورد با سعدی و حافظ و بهره گیری از سبک و سیاق و آراء و اندیشه های آنان چنین نبوده است. به هر حال، او توانسته است با آفرینش آثار ارزشمندی چون اسرار خودی، رموز بیخودی، زبور عجم، گلشن راز جدید، پیام شرق، می باقی، جاویدنامه و ... جایگاه ویژه ای در حوزه ادبیات تطبیقی داشته باشد. نگارنده در مقاله حاضر برخی از این تأثیرات و بهره گیری های فکری و هنری اقبال از شاعران بزرگ فارسی تا حافظ شیرازی را عرضه کرده است.

کلیدواژگان: اقبال لاهوری، شعر فارسی، ادبیات تطبیقی، مولوی، سعدی، حافظ.

۵۹. عصر نوین در پرتو اندیشه های علامه اقبال لاهوری

ابراهیم حسین بر

فصلنامه ندای اسلام، شماره ۴۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۹ ص ۴۳

۶۰. اقبال لاهوری / سعید نفیسی / امیرحسین آریان پور ...

ماهنامه فردوسی، شماره ۸۴، فروردین ۱۳۸۹ ص ۳۹

۶۱. نظریات اجتماع و سیاسی اقبال لاهوری

میراسماعیل اسداف

نشریه آفاق مهر، شماره ۳۹، تیر و مرداد ۱۳۸۹ □ ص ۵۸-۶۰

۶۲. رموز زندگی از نظر علامه اقبال لاهوری

دکتر حکیمه دبیران

فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۹ □ ص ۲۱-۳۴

چکیده :

علامه اقبال عقیده و اندیشه ی خویش درباره ی زندگی و رمز و راز آن را در اشعارش بازتابی روشن داده است. مضامین بلند عشق، ایمان، امید و آرزو، تلاش و کوشش، حرکت و پویایی، آینده نگری و خودشناسی در آثار اقبال جایگاه روشن و گسترده ای دارد و آنگاه که این مضمون را با مفهوم زندگی پیوند می دهد، درخشش و جلوه ی دیگری پیدا می کند. اقبال آرزو و امید را سرمایه ی ا □ لی زندگی، و زندگی را گنجینه دار این سرمایه ی ارزشمند می داند. خودی، خودشناسی و خودسازی از نظر علامه اقبال با قداست طوف حرم برابر است. وی آزاده زندگی کردن و از زیر بار نامالیقات رستن و قد خم نکردن در برابر دیگران را از رموز زندگی می داند:

زندگی از طوف دیگر رستن است خویش را بیت الحرم دانستن است (اقبال، ۱۳۷۶: ۴۵)
اقبال با توجه به آیات قرآن کریم سیر انفسی را برای انسان لازم و ضروری می شمارد و به تعبیری زیبا در خود نگرستن و به شناخت خود رسیدن را چون مجموعه و خلا □ ه ی نوری می داند که در فطرت ما نهان است و ظهور و بروز جرقه های آن، راه درست زندگی را برای ما نمایان ساخته، ما را به سوی هدایت و کامیابی رهنمون می سازد: نقطه ی نوری که نام او خودیست زیر خاک ما شرار زندگیست (اقبال، ۱۳۷۶: ۴۵)

کلیدواژگان: زندگی، اقبال، خودی، امید، حرکت و پویایی

۶۳. اسلام ناب محمدی در اندیشه امام خمینی (ره) و اقبال لاهوری

بشیر احمد بت

پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۳۱، بهار ۱۳۸۹ ص ۹۷

چکیده :

در این مقاله، نگارنده می کوشد به اندیشه های امام خمینی و اقبال لاهوری درباره اسلام ناب محمدی بپردازد. به نظر وی، اسلام ناب محمدی و تفکیک آن از اسلام امریکایی، ایده ای است که امام خمینی در عصر حاضر مطرح کردند، ولی این طرح به شکل های مختلف

در اندیشه اقبال لاهوري نیز یافت می شود. اقبال لاهوري در قبال اطلاق اسلام امریکایی، اطلاق اسلام خانقاهی را به کار می برد. اسلام امریکایی و خانقاهی (دو شکل مختلف از اسلام غیرناب)، هدف واحدی را دنبال می کنند که همان طرد اسلام ناب محمدی از متن زندگی بشریت است. بنابراین، امام و اقبال می کوشند اسلام ناب محمدی را در متن واقعیت تحقق بخشند. از این رو، توحید، سیره پیامبر و اهل بیت، کتاب خدا و نیز جامعیت دین را مبنای اطلاق اسلام ناب محمدی قرار می دهند و براساس آن، ویژگی های اسلام ناب و غیرناب و نیز راهکارها و شیوه های رسیدن به آن را یادآوری می کنند.

کلیدواژگان: اسلام ناب، اسلام امریکایی، اسلام خانقاهی، طرد اسلام

۶۴. غربشناسی اقبال لاهوري

دکتر عباس سعیدی پور

فصلنامه بیک نور (علوم انسانی)، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴، ص ۹۳

چکیده:

به نظر می رسد که یکی از تأثیرات اساسی و بارز اندیشه های اقبال، گشودن باب نقد معرفت شناختی از فلسفه غرب (و نیز فلسفه و کلام شرق - در سیر فلسفه در ایران) است. در این مسیر نقد فلاسفه و نحله های معرفت شناختی ایشان، به طور کلی، جهت و پرتوی روشن بر منظر کسانی انداخته می شود که می خواهند در جهت اندیشه های اقبال گام بزنند. هگل و نیچه که به طور مختصر در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته اند، نمونه دو جریان فلسفی - فکری غرب اند که یکی کلامی و ایده آلیستی می اندیشد و دیگری اطلاقاً ضد کلامی و اخلاقی؛ و اقبال هر دو آنها را دچار ضعفها و کاستیهای فکری فراوان می داند....

کلیدواژگان: فلسفه اسلامی، اقبال لاهوري، هگل، نیچه، معرفت دینی

۶۵. الشعر الكلاسیكي - نور عین مصطفي

محمد اقبال لاهوري

دو ماهنامه النافذه، سال ششم، شماره ۲۷، خرداد و تیر ۱۳۸۴، ص ۱۶

۶۶. تعامل علم و دین از دیدگاه اقبال لاهوري

رستم شاه محمدی

فصلنامه ذهن، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۸۷

چکیده:

مقاله حاضر با پرداختن به نگرش اقبال لاهوري درباره علم جدید، دین، خدا و جهان طبیعت، نشان می دهد که در نظر او علم و دین نه در تعارض و نه در تمایز و جدایی بلکه در تعامل با یکدیگرند. آن هم از آن رو که وی معتقد است قرآن برخلاف تصور رایج عمده تکیه اش نه بر نظوررزی و توجه به امور انتزاعی و ذهنی بلکه بر تجربه و مشاهده و عمل است. بنابراین علوم جدید - که با تکیه بر خرد استقرایی شکل گرفته اند - هیچ تعارضی با روح تعالیم قرآنی و اسلامی ندارند و حتی جالب توجه اینکه از تعالیم قرآن بهره برده اند. از جانب دیگر اقبال لاهوري، واقعیت را يك كل تصور می نماید که دارای سطوح و ابعاد مختلف و متعددی است که هر يك از علم و دین با روش های خاص خویش می توانند ابعادی از این واقعیت کل را معلوم و آشکار سازند. بنابراین لازمه ارائه تفسیری جامع از واقعیت، تعامل علم و دین با یکدیگر است

کلیدواژگان: زمین مرکزی، خورشید مرکزی، زمین ساکن، زمین متحرک، حرکت خورشید.

۶۷. شعر (رمز قرآن از حسین آموختیم)

اقبال لاهوري

فصلنامه کلام اسلامي، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۴ ص ۴۳

۶۸. بهار در شعر اقبال لاهوري

زهرا السادات ناوري

ماهنامه نافه، شماره ۵۸، نیمه دوم اسفند ۱۳۸۳ ص ۶

۶۹. زن از دیدگاه علامه اقبال لاهوري

وفا یزدان منش، علي بيات

نشریه پژوهش ادبيات معاصر جهان، شماره ۲۲، ۱۳۸۳ ص ۸۳

چکیده :

در این مقاله سعی بر تفسیر دیدگاه اقبال در مورد «زن» شده است. با مطالعه کلیات فارسی و اردو سخنرانی ها و بیانات علامه اقبال، در مجموع مشاهده می شود زن در موضوعات مختلف اعم از «خودشناسی»، «تعلیم»، «حجاب»، «آزادی» و «عرب» مطرح شده است. از آنجا که اقبال یابند مذهب اسلامي و قرآن بود، طبق عقاید دینی خود، به زن مسلمان بهایی اعلی می بخشید. زن، در مقام «مادر» در نظر وی حساس ترین مسئولیت در نظام هستی را دارا است. علامه بر این اعتقاد بود که همچنان که اصل نبوت هدایت و تکامل بشری است مادر بودن توأم با شفقت و مهربانی، هدایتگر و سرنوشت ساز ملتی است. به همین منظور نگرانی اقبال این بود که مبادا زن با فعالیت در عرصه اجتماع به صفات عالیله خود پشت پا زده، از پرورش فرزندان غافل شده و در فعالیت های سیاسی و محفل های سرور، وقت با ارزش خود را از دست دهد. وی حضرت فاطمه زهراء (س) را به عنوان بهترین نمونه می داند که تنها راه نجات و رستگاری زنان و به نحو احسن انجام مسئولیت آنان، زیستن همانند آن بانوی بزرگ باشد.

کلیدواژگان: اقبال، زن، خودشناسی، تعلیم، آزادی، اسلام، مادر

۷۰. هرمان هسه و اقبال لاهوري

خسرو ناقد

فصلنامه سمرقند، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۳ ص ۱۳۳

۷۱. تجلی قرآن در کلام اقبال لاهوري

محمد حسین بهشتی

دو ماهنامه بشارت، شماره ۴۴، سال ۱۳۸۳ ص ۵۸

۷۲. اسرار خودی در اندیشه اقبال لاهوري

قادر فاضلی

فصلنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳ ص ۱۳۵

چکیده :

اقبال تنها شاعری است که بیش از هر چیز به مساله خودی پرداخته است. از نظر وی خوشبختی و بدبختی فردی و اجتماعی آدمی در گرو شناخت و عدم شناخت خود است. نه تنها همه پیشرفت ها نمودی از شکوفایی خودی است بلکه نظام هستی تجلی اسرار خودی است. شناخت اسرار خودی ملازم با شناخت اسرار خداوندی بوده که خود انسان سرب عظیم از اسرار او است. خود فراموشی مساوی خدا فراموشی و نتیجه آن غیر پرستی می باشد. انسان هر قدر از مقامات خودی غافل گردد. به همان مقدار در بندگی دیگران می افتد. مسلمان علاوه بر خود انسانی از خود مسلمانی نیز بهره مند بوده که او را از سایر انسانها ممتاز می گرداند. خودی مراحمی دارد که ابتدایش عبادت و انتهایش نیابت و

خلافت الهي است .
کلیدواژگان: اسرار خودي ، اقبال لاهوري ، خودي ، بيخودي ، غير پرستي ، مسلماني ، نيابت الهي

۷۳. نکوداشت علامه اقبال لاهوري
دو فصلنامه آينه ميراث، شماره ۲۶، پاييز ۱۳۸۳ ص ۲۱۱

۷۴. شهريار، اقبال لاهوري، حافظ، حميد سبزواري
ماهنامه شکرشکن، شماره ۶۹، بهمن ۱۳۸۱ ص ۵۰

۷۵. سبک و درونمايه شعر فارسي اقبال لاهوري
دو فصلنامه سخن عشق، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۸۱ ص ۲۲

۷۶. علي (ع) در شعر اقبال لاهوري
ذوالفقار رهنماي خرمي
مجله علوم اجتماعي و انساني دانشگاه شيراز، شماره ۳۴، بهار ۱۳۸۱ □ ص ۱۸۶-۱۹۴

۷۷. سبک و دورنمايه شعر فارسي اقبال لاهوري
ابوالقاسم رادفر
نشریه نثر پژوهي ادب فارسي، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۰ ص ۱

چکیده :

اقبال شاعر متفکر، عارف و فیلسوف پاکستان، بدون تردید یکی از نوابغ دوران اخیر به شمار می آید. او ضمن آفرینش اشعار و آثاری به زبان اردو، زبان فارسی را برای بیان افکار و احساسات خود برگزیده است. اشعار فارسی و حتی اشعار اردوی او سرشار از مفاهیم عالی عرفانی، فلسفی، انسانی و اجتماعی است. زبانی که اقبال در سرودن اشعار خود برگزیده، زبان شاعران گذشته ایران و شبه قاره است. البته بیان این مطلب دلیلی بر مقلد رف بودن او نیست، بلکه او با تیز هوشی و استعداد فطری خود، هم از نظر زبان و هم محتوا، طرحی نو درافکنده است و سبکی خاص خود پدید آورده است. اقبال سادگی و روانی و کاربرد تشبیهات و استعارات ساده را از سبک خراسانی و رنگارنگی کلام و آوردن نایع لفظی و معنوی را از سبک عراقی و ظرافت و مضمون آفرینی و نکته سنجی را از سبک هندي وام گرفته است. با این وجود، سبک او مختص خود اوست. از نظر مضمون، شعرش بیان عشق به دین و قرآن، محبت پیغمبر اسلام (ص) و امامان بزرگوار (ع)، فلسفه، اندیشه و طرح مسایل سیاسی و فرهنگی روز است. شعر او عصاره و چکیده فرهنگ اسلامی- عرفانی گذشته و حال است. در یک کلام شعر اقبال، شعری است بیدارگر، پویانده و گویا از عصر و زمان شاعر متعهد امروز که انسانیت محور اساسی آن است.

۷۸. زندان و زندانیان / قاضی فاسد / قصاص / وضعیت عمومی زندانیان در قرون وسطی
نیما یوشیج، پروین اعتصامی، اقبال لاهوري، ربیعی پورشنجی
ماهنامه دادگستر، شماره ۵، خرداد ۱۳۸۰ ص ۳۴

۷۹. نظریه ادبی اقبال لاهوری

دکتر رحمان مشتاق مهر
فصلنامه هنر، شماره ۴۷، بهار ۱۳۸۰ ص ۲۲

۸۰. بازتاب کلام علی (ع) در اشعار اقبال لاهوری

ابوالقاسم رادفر
دو فصلنامه جستارهای تاریخی، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار - زمستان ۷۹ ص ۲۴۳

۸۱.

اقبال لاهوری

ماهنامه تبیان، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۲ ص ۲۰

۸۲. شعر و هنر در اندیشه اقبال لاهوری

ماهنامه تبیان، شماره ۱۲، مرداد، شهریور، مهر و آبان ۱۳۷۴ ص ۲۸

۸۳. شعر و هنر در اندیشه اقبال لاهوری

ماهنامه تبیان، شماره ۱۰، فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر ۱۳۷۴ ص ۴۵

۸۴. سرود قرآنی

اقبال لاهوری

دو ماهنامه بشارت، شماره ۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷ ص ۵۰

۸۵. اقبال لاهوری و قرآن

احمد احمدی بیرجندی

دو ماهنامه بشارت، شماره ۲، آذر و دی ۱۳۷۶ ص ۳۵

۸۶. شعر و هنر در اندیشه اقبال لاهوری

ماهنامه تبیان، شماره ۱۳، آذر و دی ۱۳۷۴ ص ۴۱

۸۷. نگاهی به تاثیرپذیری حافظ از شاعران متقدم و تاثیرگذاری او بر شاعران متاخر

عبدالناظر نظریانی - سهراب سعیدی

بژوهشنامه اورمزد، ۱۳۹۴

۸۸. نگاهی به کنایات در دیوان اقبال لاهوری

علی محمد پشت دار - رقیه خدای

بژوهشنامه اورمزد، ۱۳۹۴